

زبان و جنسیت در رمان شوهر آهو خانم^۱

احمد حسنی رنجبر^۲

ملاحات نجفی عرب^۳

چکیده

زبان از عناصر بنیادین در داستان‌نویسی به شمار می‌رود. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند میان زبان و نوشتار زنان و زبان و نوشتار مردان تفاوت وجود دارد. در عصر حاضر که در سایه تفکرات فمینیستی، زنان مجال حضور و ورود به قلمرو زبان و ادبیات را پیدا کردند، قلم را ابزار انتقال مردانگی، و بیگانه با خود یافتند؛ لذا در بیان مقصود دچار مشکل شدند. از سوی دیگر تحولات ادبی و ظهور رمان و داستان اعم از کوتاه و بلند در زبان فارسی، مردان را مجبور به پذیرش حضور زنان در رمان نمود. عدم آشنایی مردان با زبان و روح و روان زنان، و همچنین نگاه سنتی آنان به زن در جوامع سنتی مثل ایران، مردان را در بیان خواسته‌ها زنان و انتخاب زبان مناسب برای آنان با چالش جدی مواجه کرد. با توجه به مشکلات موجود، و اینکه هنوز معیارها و موازین علمی برای تحلیل رمان در زبان فارسی از منظر زبان و جنسیت وضع نشده، در این مقاله بر پایه نظریه‌های زبانشناسی جنسیت به مطالعه رمان شوهر آهو خانم، یکی از رمانهای برگزیده زبان فارسی، پرداخته شد تا میزان موفقیت نویسنده در استفاده از زبان متناسب با شخصیت‌های هم-جنس و غیرهم‌جنس با نویسنده، بررسی شود. حاصل تحقیق گویای آن است که نویسنده در بسیاری از موارد به دلیل رئال بودن رمان، از عهده انتخاب زبان مناسب برای شخصیت‌ها برآمده است. برخی انحراف از معیارهای موجود را می‌توان به طبقه‌ی اجتماعی کاراکترها مربوط دانست.

کلید واژه‌ها: علی محمد افغانی، شوهر آهو خانم، زبان شناسی جنسیت.

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری می باشد که از حمایت دانشگاه اسلامی واحد تهران مرکزی برخوردار بوده است.

۲- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۳- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۲۹

علی محمد افغانی (متولد ۱۳۰۳ هـ ش در کرمانشاه) نویسنده‌ی نخستین رمان واقعگرا (رنال) به زبان فارسی است. او عضو سازمان افسران حزب توده بود که در سال ۱۳۳۳ دستگیر شد و در دوره پهلوی ۵ سال را در زندان به سر برد. ورود ناگهانی‌اش در ابتدای دهه ۱۳۴۰ به صحنه ادبیات داستانی ایران، با رمان هزار برگی "شوهرآهوخانم" یک حادثه بود. تا آن هنگام، در این صحنه نامی از او نبود، گرچه زندانیان سیاسی پس از کودتا و یا آن‌ها که اخبار کوتاه محاکمات نظامی پس از کودتا را دنبال کرده بودند، شاید هنوز نام او را به خاطر داشتند.

در سال ۱۳۴۰ پس از آزادی از زندان با هزینه شخصی خود رمان شوهر آهو خانم را به چاپ رساند. او تا قبل از آن نویسنده‌ای گمنام بود. یکی دو ماه پس از انتشار کتاب بود که منتقدین و کتاب‌شناسان متوجه شدند، شاهکاری در ادبیات فارسی به وجود آمده است. سه ماه پس از انتشار کتاب، انجمن کتاب، آن را به عنوان بهترین رمان ایرانی و کتاب برگزیده‌ی سال انتخاب کرد. (ناطق، ۱۳۸۶، ۳۴)

مضمون اصلی این رمان، توصیف وضع اندوه‌بار زنان ایرانی در خانواده‌های دارای چند همسر و ناهنجاری‌های آیین چند همسری است. دست‌مایه‌ی این رمان، تجارب او و پاره یادداشت‌هایی بود که توسط پدر و اقوامش در خارج از زندان تهیه و در روزهای ملاقات به وی سپرده می‌شد. این پاره یادداشت‌ها چیزی نبود مگر وقایع و اتفاقات رخ داده برای خانواده پدرش، حسین قلی که نویسنده در نگارش آنها تنها نام‌های شخصیت‌های داستان را خود انتخاب می‌کرد.

نویسنده اغلب وقایع و حوادث را از نزدیک دیده، با زندگانی پرسوناژهای کتاب از نزدیک آشنا بوده، آن‌ها را کاملاً می‌شناخته و طرز برخوردها، حرف‌ها، نحوه‌ی زندگی و طرز فکرشان را به بهترین وجه ممکن لمس کرده است. (کازرونی، ۱۳۷۳، ۷)

پیشینه‌ی تحقیق:

روبین لیکاف^۱ (۱۹۷۵) به عنوان یک جامعه‌شناس نخستین کسی است که مسأله‌ی زبان زنانه را مطرح می‌کند. او معتقد است زبان زنان پست‌تر از زبان مردان است زیرا شامل انگاره‌های «ضعف» و «عدم قطعیت» است و بر مطالب بی‌اهمیت، سبک، غیر جدی و واکنش‌های عاطفی تأکید دارد. به نظر او گفتار مردان «نیرومندتر» است و چنانچه زنان خواهان کسب برابری‌های اجتماعی با مردان باشند، باید زبان آنها را بپذیرند. (سلدن^۲، ۱۳۷۷، ۲۶۳)

پیشینه‌ی تحقیقات در این زمینه به اوایل دهه‌ی هفتاد میلادی بر می‌گردد. ساپیر^۳ (۱۹۲۹)، لباو^۴ (۱۹۷۲)، لیکاف^۵ (۱۹۷۳)، برند^۵ (۱۹۷۵)، دوبوا^۶ و کراچ^۷ (۱۹۷۵)، ترادگیل^۸ (۱۹۸۳)، بارون^۹ (۱۹۸۶)، کامرون^{۱۰} (۱۹۸۹) و... از جمله پژوهشگران جهانی در این زمینه‌اند. عسگری (۱۳۷۵)، نوشین‌فر^{۱۱} (۱۳۷۴)، برزگر آق قلعه (۱۳۷۸)، فارسیان (۱۳۷۸)، جان نژاد (۱۳۸۰) و مدرسی (۱۳۸۷) نیز با انجام پایان‌نامه‌هایی زاویه‌هایی از این موضوع را در زبان فارسی بررسی کردند و با استفاده از نظریات اندیشمندان جهان به معیارهایی کلی دست یافتند. پژوهشگران دیگری چون نجم‌آبادی (۱۳۷۷) و علی نژاد (۱۳۸۱) نیز در باب جنسیت در زبان مقالاتی نوشتند و به پژوهش‌های زبانی زنانه و مردانه در زبان فارسی غنا بخشیدند.

تفاوت‌های زبانی زنان و مردان در شوهر آهو خانم

بیشتر پژوهش‌های پیشین که در مورد زبان و جنسیت انجام گرفته است، در حوزه‌ی گفتار بوده و متغیرهایی مانند: میزان کلام، نوبت و رشته‌ی کلام، قطع کلام، پرسش‌های ضمیمه‌ای، تصدیق-

^۱ -Robin Lakoff
^۲ - Raman Selden
^۳ - Sapir
^۴ - Labov
^۵ - Brand
^۶ - Du Bois
^۷ - Crouch
^۸ - Trudgil
^۹ - Baron
^{۱۰} - Cameron

کننده‌ها، دشواژه‌ها، اصطلاحات تعجبی - ندایی، سوگندواژه‌ها و... را مورد بررسی قرار داده‌است. اما پژوهش‌هایی که بر روی متون انجام شده باشد، بسیار اندک است، شاید دلیل این امر این تصور باشد که تفاوت‌های زبانی که بین مردان و زنان وجود دارد به آن صراحت و آشکاری که در گفتار مشخص می‌شود، در نوشتار مشهود نیست. اما چنین انتظار می‌رود که تفاوت‌های جنسیتی خود را در آثار فرهنگی بالاخص رمان‌ها نشان دهد. به عبارت دیگر، نوشتار زنانه با نوشتار مردانه به دلیل تفاوت‌های جنسیتی‌ای که بین زنان و مردان وجود دارد، متفاوت است.

شوهر آهو خانم اثری که سه ماه پس از انتشار، انجمن کتاب، آن را به عنوان بهترین رمان ایرانی و کتاب برگزیده‌ی سال انتخاب کرده، در این مقاله از منظر تفاوت‌های زبانی زنان و مردان بررسی شده، اگر چه در جهان امروز پژوهشهایی در مورد موضوع انجام شده است، لیکن به دلیل نو بودن موضوع در زبان فارسی و اینکه هنوز معیارهای آن بطور کامل شناسایی نشده و تحقیقاتی از این دست می‌تواند به کشف زوایای مبهم موضوع کمک کند، ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله مواردی از مسائل اختلافی زبانی زنان و مردان در این اثر بررسی و نتایج آن با موازین وضع شده از طرف صاحب نظران مقایسه شده و علل و دلایل آن ذکر گردیده است.

الف- بررسی تفاوت‌های زبان زنان و مردان از منظر زبان شناسی

از منظر زبان‌شناسی به بررسی عواملی از قبیل: میزان کلام، کاربرد زبان معیار و زبان محافظه‌کارانه، دستورات و زبان آمرانه، قطع کلام، کلام رقابتی و مشارکتی و قاطعیت و انقیاد پراخته شد.

میزان کلام

آنچه بین مردم معمول است این است که زنان بیش از مردان صحبت می‌کنند اما تحقیقات خلاف این را نشان می‌دهد زیرا میزان مکالمه نشان‌دهنده‌ی اعمال قدرت است (ترادگیل، ۱۳۷۶، ۱۶۳). در این خصوص دو پیش فرض متفاوت مطرح است: یکی این‌که افراد قدرتمند بیشتر به انجام بحث و گفتگو می‌پردازند ولی افراد ضعیف معمولاً سکوت اختیار می‌کنند و پیش فرض دوم این است که بین سطح تحصیلات افراد و میزان مکالمه ارتباط وجود دارد.

اما در پژوهش‌هایی که در زبان فارسی انجام گرفته است این نتایج به دست آمده است: در برخوردهای غیر مختلط زن / زن نسبت به برخوردهای مرد / مرد بحث‌ها و موضوعات بیشتری مطرح می‌شود. درحالی که در برخوردهای مختلط، صرف نظر از جنسیت افراد، آن‌هایی که دارای سطح تحصیلات بیشتری هستند نسبت به کسانی که از سطح تحصیلات کمتری برخوردارند، بحث‌های بیشتری را مطرح می‌کنند. (غفار ثمر و علی بخشی، ۲۰۰۷، ۶۱)

در شوهر آهو خانم از ۱۳ مکالمه مختلط، ۹ مورد به کاراکتر مرد و ۴ مورد به کاراکتر زن اختصاص دارد. این امر نشان می‌دهد در شوهر آهوخانم طبق قواعد حاصل از پژوهش‌های به عمل آمده، مردان بیشتر از زنان سخن می‌گویند. لیکن زنان با وجود اینکه تماماً افرادی عادی و فاقد هرگونه تحصیلات حتی از نوع مکتبی هم هستند، در بیشتر موارد بالاخص در مکالمات هما با سید میران، هما بحث را به دست می‌گیرد و بیشتر داد سخن می‌دهد. شاید این مسئله را بتوان این‌گونه توجیه کرد که چون شخصیت اول داستان یعنی سید میران دچار عشقی افراطی و حماقت‌گونه نسبت به هما است، بیشتر دوست دارد که معشوقه سخن گوید و خود گوش دهد، چنان‌که در مکالمات سید میران با سایر زنان این قضیه حالت معکوس پیدا می‌کند و اوست که بیشتر سخن می‌گوید.

کاربرد زبان معیار و زبان محافظه‌کارانه

زنان بیشتر به استفاده از زبان معیار و باپرستیژ گرایش دارند. گرایش زنان به زبان استاندارد باعث شده است که آن‌ها در استفاده از زبان بسیار محافظه‌کار باشند. به علت این‌که قدر و منزلت اجتماعی زنان در اجتماع بسیار پایین است و جامعه به آن‌ها اجازه نمی‌دهد تا از طریق فعالیت اقتصادی و ورود به بازار کار برای خودشان ایجاد شأن و منزلت اجتماعی کنند، آنان از منابع نمادین که شامل سیما، چهره و زبان خود است برای بالا بردن جایگاه اجتماعی‌شان تلاش می‌کنند. (همان، ۱۱۵)

برای سنجش و ارزیابی استفاده از زبان استاندارد، دشواژه‌ها که شامل کلمات بی‌ادبانه مانند احمق، بی‌شعور و اصطلاحات و ترکیبات بسیار زشت و رکیک می‌باشد و استفاده از صفات و کلمات محترمانه مانند عزیزم، جناب آقای ...، سرکار خانم، لطفاً و سایر کلمات احترام‌آمیز که بیانگر

استفاده از زبان دارای پرستیژ بالا است، مورد بررسی قرار گرفت. همچنین در مورد زبان محافظه-کارانه میزان کاربرد کلمات عامیانه بررسی شد.

در اثر مورد بحث، کاراکترهای زن ۴۷ کلمه عامیانه، ۱۸ دشواژه، ۴۷ صفت و واژه محترمانه و کاراکترهای مرد ۶۳ کلمه عامیانه، ۴۰ دشواژه و ۱۸ صفت و واژه محترمانه استفاده کرده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که زبان زنان در رمان شوهر آهو خانم نسبت به مردان بیشتر به زبان معیار نزدیک است. هرچند دشواژه‌های به کار برده شده در زبان زنانه نسبتاً زیاد است اما در مقایسه با مردان بسیار کمتر است. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که شخصیت‌های زن این رمان تقریباً همگی از تحصیلات بی‌بهره‌اند و زبان مادری‌شان گردی است (فارسی معیار نیست) و در محیطی شهرستانی زندگی می‌کنند که بسیاری از کلمات، دشواژه محسوب نمی‌شوند. به همین دلیل استفاده از کلمات عامیانه در بین زنان بسیار زیاد است به ویژه کلمات عامیانه‌ی گردی. همه-ی این عوامل سبب شده است تا زبان زنان در این رمان از حالت معیار و استاندارد بسیار فاصله بگیرد. شاید بهترین توجیه برای آن همان اقتضای فضای روستایی داستان باشد.

دستورات و زبان آمرانه

مطالعات انجام شده در باب زبان و جنسیت نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان از صورت‌های آمرانه استفاده می‌کنند. (خسرو نژاد، ۲۰۰۷، ۱۹) به علاوه مردان بیشتر از صورت‌های آمرانه‌ی تشدید یافته استفاده می‌کنند مانند: پاهایت را جمع کن. در حالی که زنان بیشتر به استفاده از صورت‌های تعدیلی که بسیار محترمانه‌تر است، گرایش دارند و تلاش می‌کنند تا مقصودشان را پیشنهاد دهند مانند: «من پیشنهاد می‌کنم به جای کلیسا به مسجد بروید.» (افغانی، ۱۳۹۰، ۱۷۳)

پژوهش‌های زبان فارسی نیز استفاده‌ی بیشتر مردان از صورت‌های آمرانه را تأیید می‌کند. پژوهش جان‌نژاد نشان می‌دهد که مردان به میزان ۷۷/۸ و زنان ۲۲/۲ درصد از کلام آمرانه استفاده می‌کنند. در رمان شوهر آهو خانم کاراکترهای زن حدود ۴ برابر کمتر از کاراکترهای مرد از امر مستقیم استفاده کرده‌اند. (۶ به ۲۴) در حالی که کاربرد امر غیر مستقیم و پیشنهادی عکس این است (۷ به ۲). این رقم همانند یافته‌های زبان فارسی نشان می‌دهد مردان خیلی بیشتر از دستور و تحکم استفاده می‌کنند و زنان اغلب سعی می‌کنند به صورت امر غایب کلام آمرانه خود را به کار ببرند.

قطع کلام

اغلب پژوهندگان دریافته‌اند که مردان به گونه‌ی قابل ملاحظه‌ای صحبت زنان را بیشتر قطع می‌کنند و در مقابل زنان خیلی کمتر از این اقدام استفاده می‌کنند. اما همیشه قطع کلام رفتاری منفی محسوب نمی‌شود بلکه در برخی موارد به جهت همپوشانی گفتار و حمایت از گوینده صورت می‌گیرد. پس با این تفسیر می‌توان دو نوع قطع کلام را متصور شد: قطع کلام جهت تفوق بر گوینده که آن را قطع کلام سلطه‌گرانه می‌نامند و قطع کلام جهت هم‌گفتاری و تأیید گوینده که به آن قطع کلام حمایتی می‌گویند. (جان نژاد، ۱۳۸۰، ۱۰۵-۱۰۶)

یافته‌های اسمیتلین و براودی (۱۹۸۹) مبنی بر اینکه مردان با اظهار نظرهای حمایتی صحبت مردان دیگر را قطع می‌کنند درحالی که سخن زنان را با نکات ختنی یا مخالفت‌آمیز قطع می‌کنند، فرضیه‌ی اعمال قدرت مردان بر زنان را تأیید می‌کند. (بل، مک‌کاریسی، مک‌نامری، ۲۰۰۷، ۵)

پژوهش‌هایی که در زبان فارسی بر روی گفتار زنان و مردان انجام گرفته نیز تأیید کننده‌ی این فرضیه است. بر طبق پژوهش جان‌نژاد مردان در ۷۳/۷ و زنان در ۲۶/۳ درصد موارد سخن هم-صحبت‌شان را قطع می‌کنند. ۴۷/۳ درصد از قطع کلام‌های زنان حمایتی و ۵۲/۷ درصد آن سلطه-گرانه است درحالی که ۶۹/۲ درصد قطع کلام‌های مردان سلطه‌گرانه و ۳۰/۸ درصد دیگر آن حمایتی است. (جان نژاد، ۱۳۸۰، ۱۰۶)

در رمان شوهر آهو خانم کاراکترهای مرد ۱۶ بار سلطه‌گرایانه و ۴ بار حمایتی و زنان ۲ بار سلطه‌گرایانه و ۸ بار حمایتی سخن طرف مقابل را قطع کرده‌اند. این رقم نشان می‌دهد که مردان خیلی بیشتر از زنان سخن طرف مقابل را قطع می‌کنند و این قطع کلام‌ها بیشتر به صورت سلطه‌گرانه است. درحالی که زنان بیشتر با تصدیق‌گرها و برای حمایت از طرف مقابل، سخن او را قطع می‌کنند.

کلام رقابتی و مشارکتی

مقصود از کلام رقابتی مکالماتی هستند که در آن گوینده تلاش می‌کند بر شریک صحبت خود غلبه کند و در پی اثبات خود بر طرف مقابل، نشان دادن دانش و مهارت خویش و اعمال کنترل بر

مکالمه است. درحالی که در کلام مشارکتی گوینده سعی دارد ارتباط را حفظ کرده، آن را گسترش دهد و صمیمت بیشتری با شریک صحبت خود برقرار کند.

هدف زنان برقراری و حفظ ارتباط، یکسان سازی تجارب، نشان دادن حمایت (من هم همین احساس را دارم)، تداوم محاوره (امروز را چطور گذراندید؟) پاسخدهی و تفاهم (تکان دادن سر در پاسخ به صحبت فرد دیگر)، شیوهی فردی، عینی و ملموس و محتاطانه و باتردید، است درحالی که هدف مردان اعمال کنترل، حفظ استقلال، افزایش اعتبار، نشان دادن دانش یا مهارت، اجتناب از افشای اطلاعات شخصی که حاکی از آسیب‌پذیری فرد است، برتری در مکالمه (قطع مکالمه، مدت زمان بیشتری صحبت کردن)، پاسخدهی کمتر (آهان)، محکم، قطعی و آمرانه است. (محمدی اصل، ۱۳۸۸، ۱۵۹)

زنان در مکالمات خود کمتر قانون‌گرا و بیشتر متمایل به استثنا قایل شدن در قوانین هستند ولی مردان در طول تعامل یک دیدگاه کلی را حفظ و از زبان به شکل آمرانه استفاده می‌کنند و بین خود و دیگران جدایی و دوگانگی بیشتری احساس می‌کنند. (بل، مک‌کاری، مکنامری، ۲۰۰۷، ۲-۱)

مردان عموماً بیشتر به استفاده از کلام رقابتی و زنان به کلام مشارکتی گرایش دارند. پژوهشگران دلیل این امر را جایگاه پایین زنان در اجتماع می‌دانند. (غفار ثمر و علی بخشی، ۲۰۰۷، ۶۱) در زبان فارسی پژوهشی که به سنجش این مسئله پرداخته باشد، انجام نشده است ولی از قراین نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان در مکالمات مشارکت می‌کنند.

برای تعیین میزان رقابت در مکالمه ما سه متغیر دستورات و اوامر، کلمات توهینی و بی‌احترامی و قطع کلام را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. مسلم است که فراوانی زیاد آن‌ها، نشان دهنده‌ی کلام رقابتی است. برای تعیین میزان مشارکت افراد در مکالمه، تصدیق‌گرها را بهترین متغیر دیدیم که هرچه میزان استفاده از آن بیشتر باشد، فرد در مکالمه مشارکت بیشتری دارد و نشان‌دهنده‌ی علاقه‌اش به مکالمه است. در اثر مورد مطالعه کاراکترهای مرد از تصدیق‌گرها ۱۸ بار، قطع کلام ۲۰ بار، توهین و بی‌احترامی ۱۴ بار و کلام آمرانه ۲۶ بار و کاراکترهای زن به ترتیب، ۵ بار، ۱۰ بار، ۵ بار و ۱۳ بار استفاده کرده‌اند.

کاربرد کلام آمرانه و کلمات توهینی نشان می‌دهد که مردان به نسبت بیشتری از زنان به امر و نهی و بی‌احترامی نسبت به طرف مقابل اقدام می‌کنند. این مسأله نشان‌دهنده‌ی گرایش بیشتر مردان به کلام رقابتی و سلطه‌گرانه است. آنان با صادر کردن دستورات و روا داشتن بی‌احترامی نسبت به هم‌صحبتان خود سعی می‌کنند تسلط خود را در مکالمه حفظ کرده و طرف مقابل را نسبت به پذیرش عقاید شخصی‌شان مجاب کنند و در ضمن به طور تلویحی برتری خود را نیز به اثبات برسانند.

از طرف دیگر استفاده‌ی بیشتر از تصدیق‌گرها نشان‌دهنده‌ی مشارکت در مکالمه است در زمان شوهر آهو خانم می‌بینیم که مردان خیلی بیشتر نسبت به زنان از تصدیق‌گرها استفاده می‌کنند که این مسأله با آنچه بیشتر پیرامون گفتار مشارکتی زنان گفته شد، تناقض دارد. اگر این مسأله را با حمل بر بی‌سواد بودن زنان و قرار داشتن در طبقه‌ای پایین، نتوانیم توجیه کنیم، نشان‌دهنده‌ی نقصی در کار نویسنده است. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که مقصر بودن یا محق بودن کارکتر نیز می‌تواند در انتخاب واژگان و نوع کلام آنان مؤثر باشد. مثلاً وقتی مردی بر خلاف هنجارهای اجتماعی یک جامعه اقدام به اختیار چند همسر کرده باشد، نمی‌تواند در برابر زنانی که نتوانسته در حقشان مساوات را رعایت کند، اظهار سلطه نماید هر چند گاه عکس این مطلب نیز در مردان ناهنجار صادق است.

قاطعیت و انقیاد

از نظر لیکاف زبان مردانه قاطعانه، بزرگسالانه و مستقیم، درحالی که زبان زنانه نابالغ، خیلی رسمی و بیش از حد مودب و غیر قاطعانه است. او معتقد است که زنان به خاطر جایگاه پایینی که در اجتماع دارند از زبان ضعیفی برخوردارند و اغلب دچار تردید هستند. منظور از انقیاد: تابع بودن و حالت انفعالی زنان در گفتار است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان در مواردی که قصد اعمال قدرت دارند به زبان مردانه تقرب می‌جویند و آن را ممدوح خود قرار می‌دهند. که خود تاییدکننده‌ی انقیاد و تابع بودنشان در زبان و جایگاه پایین اجتماعی‌شان است. (نعمتی و بایر،

۲۰۰۷، ۴)

در این مقاله برای بررسی انقیاد و قاطعیت در مکالمات زنان و مردان شش متغیر تعیین گردید: تشدیدکننده‌ها، تعدیل‌کننده‌ها، فرم‌های سؤالی، نقل‌قول مستقیم، سؤالات ضمیمه‌ای، جملات ناتمام، عذرخواهی و پوزش طلبی. تشدیدکننده‌ها و فرم‌های سؤالی نشان‌دهنده‌ی قاطعیت متکلم و تعدیل‌کننده‌ها، نقل‌قول مستقیم، سؤالات ضمیمه‌ای و جملات ناتمام بیانگر انقیاد و تبعیت او می‌باشد.

در زبان فارسی پژوهشی که به بررسی این موضوع پرداخته باشد وجود ندارد ولی از آنجایی که زنان اغلب در جایگاه اجتماعی بسیار پایینی قرار دارند و تحت تسلط مردان زندگی می‌کنند و در بسیاری از جوانب از آنان بخصوص شوهران کسب شأن و منزلت می‌کنند، انتظار می‌رود، میزان انقیاد و تبعیت در بین آن‌ها بسیار زیاد باشد.

کاربرد عوامل قاطعیت و انقیاد در شوهر آهو خانم

جدول	شوهر آهو خانم		متغیرها	داده‌ها
خوبی	زن	مرد	جنسیت	فوق به
دهنده‌ی	۱۹	۲۳	تشدیدکننده‌ها	نشان-
مردان و	۱۳	۱۶	تعدیل‌کننده‌ها	قاطعیت
زنان در	۱۲	۴۵	فرم‌های سؤالی	انقیاد
	۸	۲	نقل‌قول مستقیم	
	۱	۱۲	سؤالات ضمیمه‌ای	
	۵	۴	جملات ناتمام	
	۱	۳	عذرخواهی	

مکالمات است و برتری مردان را کاملاً به اثبات می‌رساند. چنان‌که مشهود است مردان به میزان بیشتری از تشدیدکننده‌ها و فرم‌های سؤالی استفاده کرده‌اند. تشدیدکننده‌ها نشان دهنده‌ی اطمینان و قدرت گوینده است که کلام خود را با شدت بیشتری ادا می‌کند.

از طرف دیگر زنان خیلی بیشتر از مردان از تعدیل‌کننده‌ها و نقل قول مستقیم استفاده کرده‌اند و هم‌چنین جملات ناقص‌شان هم بیشتر است که این مساله به خوبی نشانگر حالت انفعالی‌شان در محاورات است. اما عذرخواهی و پوزش‌طلبی، مشاهده می‌شود که تعداد عذرخواهی مردان نسبت به زنان بیشتر است. دقت در این مساله ما را به نکته رهنمون می‌سازد که مردان بیشتر در مقابل هم‌جنسان‌شان به عذرخواهی و پوزش‌طلبی پرداخته‌اند، نه در مقابل زنان که خود این موضوع هم نشانه‌ی سلطه‌گری مردان در مکالماتشان با زنان است. هم‌چنین استفاده‌ی بیشتر زنان از پرسش‌های ضمیمه‌ای در رمان شوهر آهو خانم تابعیت زنان را در محاورات قوت می‌بخشد.

ب- بررسی اختلافات زبانی زنان و مردان در حوزه‌ی واژگان

می‌دانیم که «برخی واژه‌ها و اصطلاحات زنانه‌اند و برخی مردانه. این یک قانون نیست اما در طول زمان و بر اثر کثرت استعمال بعضی واژگان و اصطلاحات زنانه و برخی مردانه شده‌اند.» (بهمنی و باقری، ۱۳۹۱، ۴۵) در بررسی واژگان خاص زنان و مردان موارد زیر مطالعه شده‌اند

دشوازه‌ها

در تمامی پژوهش‌های انجام شده تأیید شده است که مردان خیلی بیشتر از دشوازه‌ها و کلمات بی‌ادبانه و دور از نزاکت استفاده می‌کنند. لیکاف (۱۹۷۵) زنان را متخصصان استفاده از حسن تعبیر و گونه‌های مودبانه می‌داند. (فارسیان، ۱۳۷۸، ۲۷)

در اینجا ما دشوازه‌ها را به دو گروه رکیک و غیر رکیک تقسیم‌بندی کرده‌ایم و پیش‌فرض ما این است که مردان بیشتر از دشوازه‌ها استفاده می‌کنند.

یافته‌های پژوهش‌های زبان فارسی نیز این مسأله را تأیید می‌کند. در پژوهش جان‌نژاد که در مورد تفاوت‌های گفتاری گویشوران ایرانی بود، مردان خیلی بیشتر از زنان از دشوازه‌ها استفاده می‌کرده‌اند. در شوهر آهو خانم مردان ۶ واژه رکیک و ۴۳ واژه غیر رکیک و زنان ۳ واژه رکیک و ۱۵ واژه غیر رکیک استفاده کرده‌اند. (جان نژاد، ۱۳۸۰، ۷۵) نگاهی به کاربرد دشوازه‌ها نشان می‌دهد که مردان به مراتب بیشتر از زنان از دشوازه‌ها و کلام بی‌ادبانه استفاده می‌کنند. هرچند زنان هم در پاره‌ای از موارد از دشوازه‌ها استفاده می‌کنند لیکن اکثر دشوازه‌های آنان کلمات معمولی مانند

احمق، کثافت، بی‌شعور و ... را شامل می‌شود که در مقابل دشواژه‌های رکیک مردانه از زشتی بسیار کمتری برخوردار است.

نگاهی عمیق‌تر به کاربرد دشواژه‌ها نشان می‌دهد که مردان از دشواژه‌های رکیک تنها در حضور هم‌جنسانشان استفاده می‌کنند و به ندرت از دشواژه‌های غیررکیک در حضور هم‌صحبت‌های غیر هم‌جنس استفاده می‌کنند.

رنگواژه‌ها

لیکاف معتقد است یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اختلافی زنان و مردان کاربرد رنگواژه‌ها است. او می‌گوید زنان در کاربرد رنگواژه‌ها بسیار دقیق هستند و از رنگواژه‌هایی مانند قهوه‌ای روشن، بنفش کمرنگ و ... خیلی بهتر و بیشتر از مردان استفاده می‌کنند. (غفارثرمر و علی‌بخشی، ۲۰۰۷، ۶۰)

در شوهر آهو خانم کارکترهای مرد ۶ بار و کارکترهای زن ۱۳ بار از رنگواژه سیاه، سفید و قرمز استفاده کرده‌اند. داده‌های فوق نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان از رنگواژه‌ها استفاده می‌کنند که تأییدکننده‌ی فرضیه‌ی لیکاف است.

سوگندواژه‌ها

یسپرسن معتقد است: در جوامعی که سوگند خوردن معمول است، مردها بیش‌تر از زن‌ها سوگند می‌خورند. (جان‌نژاد، ۱۳۸۰، ۲۳)

سوگندواژه‌ها می‌تواند شامل سوگند خوردن به مقدسات مانند به خدا، به امام حسین و سوگند خوردن به چیزهای باارزش زندگی مانند به جون بچه‌ها و ... باشد.

یافته‌های پژوهش‌ها در زبان انگلیسی (گوم ۱۹۸۱) نشان می‌دهد که کاربرد سوگندواژه‌ها در بین مردان بیشتر از زنان است. (همان، ۱۲۱)

در رمان شوهر آهو خانم مردان ۱۴ بار و زنان ۴ بار از سوگندواژه‌ها استفاده کرده‌اند. این امر مطابق با یافته‌های پژوهش‌ها در زبان فارسی است. در رمان شوهر آهو خانم مردان چون عامی هستند و از اعتقادات مذهبی محکمی برخوردارند، بیشتر از سوگندواژه‌ها استفاده می‌کنند.

صفات و قیود

لیکاف اظهار می‌دارد که بعضی از صفت‌ها مثل: شیرین، شایان، ملیح فقط توسط خانم‌ها به کار می‌روند. همچنین بر این باور است که زنان بیشتر از صفاتی مانند: خوب، زیبا، قشنگ، خوشگل استفاده می‌کنند. همچنین یسپرسن هم بر این عقیده است که زنان بیشتر از مردان به کاربرد صفات عاطفی گرایش دارند. پیتون معتقد است که زنان خیلی از صفات تخمینی یا سنجشی مانند: شگفت‌انگیز، مجلل استفاده می‌کنند. او همچنین در نظریه‌ی خود عنوان می‌کند که زنان از آن‌جایی که جایگاه اجتماعی پایینی دارند خیلی بیشتر از قیود تقریبی مانند: تقریباً، حدوداً استفاده می‌کنند. (همان، ۷۶)

در این مقاله برای ارزیابی کاربرد صفات و قیود، میزان کاربرد صفات سنجشی، صفات عاطفی زنانه و قیود تقریبی تعیین و بررسی گردید. قابل ذکر است که در زبان فارسی پژوهشی که به بررسی این فرضیه پرداخته باشد تاکنون انجام نشده است و معیار ما همان یافته‌های لیکاف و پیتون در زبان انگلیسی است.

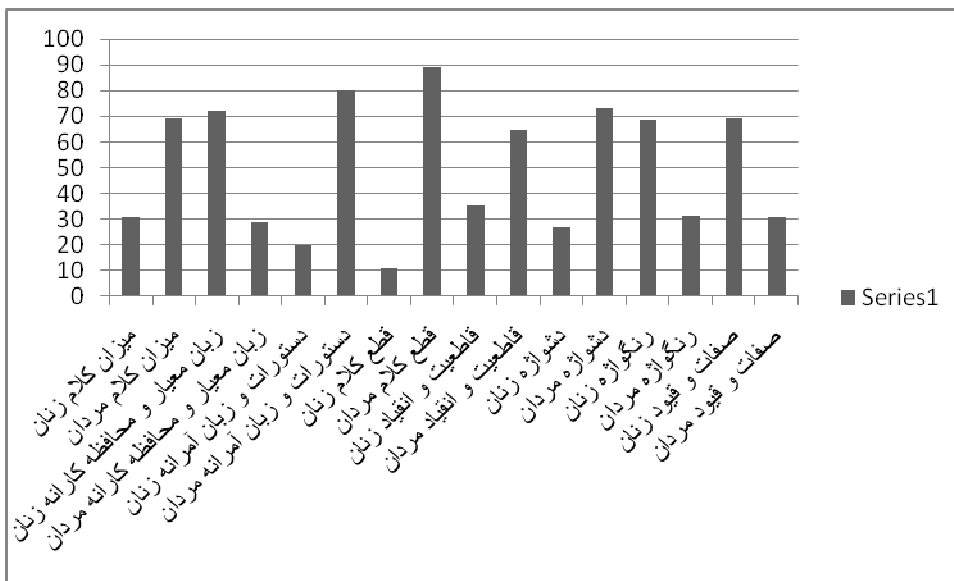
در رمان شوهر آهو خانم کاراکترهای مرد از صفات سنجشی / تخمینی ۵ بار، قیود تقریبی، ۸ بار و صفات عاطفی زنانه ۱۰ بار و زنان به ترتیب ۱۶، ۱۳ و ۲۳ بار استفاده کرده‌اند. کاربرد این صفات و قیود همانند پژوهش‌ها (همان، ۲۵) نشان می‌دهد صفات سنجشی در بین زنان کاربرد خیلی بیشتری دارد و مردان معمولاً به جای این‌گونه صفات از صفات خشن و محکم مانند بزرگ استفاده می‌کنند.

همچنین از آن‌جایی که زنان برخلاف مردان که بیشتر به روابط علیّ موضوعات می‌پردازند و در پی کشف نوعی از حقیقت هستند، به توصیف پدیده‌ها قناعت کرده و از آن‌ها فراتر نمی‌گذارند و از طرف دیگر چون زمختی و خشونت ذاتی‌ای که در وجود مردان است در آن‌ها نیست، خیلی بیشتر از صفات عاطفی مانند زیبا، قشنگ و ... استفاده می‌کنند که این مسأله در رمان شوهر آهو خانم که مردان دارای شخصیت‌هایی خشن هستند به خوبی نمودار است. علاوه بر این زنان به علت این‌که تحت انقیاد مردان قرار دارند و در اجتماع از جایگاه پایینی برخوردار هستند، بیشتر درگفتارشان دچار تردید می‌شوند و پرواضح است که بیشتر از قیود تقریبی استفاده کنند.

نتیجه

در رمان شوهر آهو خانم مردان از آنجایی که قدرت بیشتری دارند، بیشتر از زنان رشته‌ی کلام را به دست می‌گیرند. کلام زنان گاه تا چندین صفحه طول می‌کشد که نه تنها بر خلاف قوانین زبان-شناسی در این زمینه است بلکه نقضی هم در کار نویسنده پدید آورده است. در این رمان مردان و زنان به شدت از دشواژه‌ها و کلمات عامیانه‌ی کُردی استفاده می‌کنند. عدم استفاده‌ی کاراکترهای رمان شوهر آهو خانم از زبان معیار به خاطر قرار گرفتن آن‌ها در یک جامعه‌ی شهرستانی و روستایی بودن اغلب آن‌ها، قابل توجیه است. مردان تنها در کاربرد سؤالات ضمیمه‌ای نسبت به زنان در جایگاه بالاتری قرار دارند. اما به‌طور کلی می‌توان گفت نویسنده در این زمینه هم از زبانی متناسب کاراکترهای زن و مرد استفاده کرده‌است. در این اثر مردان چون عامی و از اعتقادات مذهبی محکمی برخوردارند، بیشتر از سوگندواژه‌ها استفاده می‌کنند. داده‌ها در حوزه‌ی رنگواژه‌ها ظاهراً معنادار به نظر نمی‌رسد زیرا علاوه بر اندک بودن آن‌ها از تنوع کمتری هم برخوردارند و تنها رنگواژه‌های سیاه، سفید و قرمز را شامل می‌شوند.

نمودار کاربرد موارد اختلاف در زبان زنان و مردان



جدول کاربرد موارد اختلاف در زبان زنان و مردان

تعداد	درصد	تعداد در	درصد	تعداد در	موارد
کل	در زنان	زنان	در مردان	مردان	
۱۳	%۳۰.۷۶	۴	%۶۹.۲۴	۹	میزان کلام
۶۵	۷۲.۳۰	۴۷	۲۸.۷۰	۱۸	زبان معیار و محافظه کارانه
۳۰	%۲۰	۶	%۸۰	۲۴	دستورات و زبان آمرانه
۱۸	%۱۱.۱۱	۲	%۸۸.۸۹	۱۶	قطع کلام
۱۶۶	%۳۵.۵	۵۹	%۶۴.۵	۱۰۷	قاطعیت و انقیاد
۶۷	%۲۶.۸۶	۱۸	%۷۳.۱۴	۴۹	دشوآزه
۱۹	%۶۸.۴۲	۱۳	%۳۱.۵۸	۶	رنگواژه
۷۵	%۶۹.۳۴	۵۲	%۳۰.۶۶	۲۳	صفات و قیود

کتابشناسی

- ۱- افغانی، علی محمد. (۱۳۹۰). شوهر آهو خانم، تهران: انتشارات نگاه، چاپ یازدهم.
- ۲- بهمنی مطلق، یدالله و باقری، نرگس. (۱۳۹۱). مقایسه‌ی زبان زنان در آثار سیمین دانشور و جلال آل احمد. فصلنامه زن و فرهنگ، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۴۳-۵۹.
- ۳- ترادگیل، پیتر. (۱۳۷۶). زبان شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه، ترجمه محمد طباطبایی. تهران: آگاه.
- ۴- جان‌نژاد، محسن. (۱۳۸۰). زبان و جنسیت: پژوهشی زبان‌شناختی اجتماعی تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای، رساله ی دکتری. دانشگاه تهران.
- ۵- سلدن، رامان، پیتر ویدوسون. (۱۳۷۷). راهنمای نظریه‌ی ادبی معاصر، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: نشر طرح نو، چاپ دوم، ویرایش سوم.
- ۶- فارسیان، محمدرضا. (۱۳۷۸). جنسیت در واژگان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی. دانشگاه تهران.
- ۷- کازرونی، جعفر. (۱۳۷۳). تلخیص و نقد آثار علی محمد افغانی (شوهر آهو خانم)، تهران: سهیل.
- ۸- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۸). جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی، تهران: گل آذین.
- ۹- مک کانل، سالی. (۱۳۸۹). زبان و جنسیت. سایت باشگاه اندیشه، ۱۳۸۹/۷/۵.
- ۱۰- ناطقی، مرضیه. (۱۳۸۶). نگاهی به رئالیسم در آثار علی محمد افغانی و سیمین دانشور. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

۱۱-Courtney M. Bell & Philip M. McCarthy & Danielle S. McNamara (۲۰۰۷). Variations in Language Use across Gender: Biological versus Sociological Theories.

۱۲-Ghafar Samar, Reza & Alibakhshi, Goodarz (۲۰۰۷). The Gender Linked Differences in the Use of Linguistic Strategies in Face-to-face Communication.

۱۳-Khosronejad, Abdollah (۲۰۰۷). The Role of Gender on Content Analysis of English and Persian Short Stories. Trbiat Moallem University.

Archive of SID

۱۴- Nemati, Azadeh & Bayer, Jennifer Marie (۲۰۰۷). Gender Differences in the Use of Linguistic Forms in the Speech of Men and Women: A Comparative Study of Persian and English.

۱۵- Lakoff, R. (۱۹۷۵) Language and Women's Place,